

انعکاس مفاهیم بی‌عدالتی و فلاکت جامعه روستایی در ادبیات نوین ترکیه و ایران (با تأکید بر داستان‌های محمود دولت‌آبادی و اورهان کمال)

چکیده

در ادبیات نوین ایران و ترکیه پیدایش و سیر تحول داستان و انواع آن از ابتدا روال مشابهی را پیموده است. ادبیات داستانی هر دو کشور از بدو شکل‌گیری متأثر از ادبیات غرب هستند که این تأثیر عمدتاً از طریق ترجمه‌ی متون و آثار ادبی به دست آمده است. نتیجه‌ی این تأثیر، شکل‌گیری جریان‌های گوناگون داستان‌نویسی خواه از لحاظ شکل و خواه از لحاظ مضمون و محتوا است. اورهان کمال یکی از برجسته‌ترین داستان‌نویسان ترکیه است که آثار متعددی از او به فارسی ترجمه شده است و یکی از پیشروان ادبیات روستایی است. محمود دولت‌آبادی نیز یکی از تأثیرگذارترین نویسندگان معاصر ایران است که ادبیات اقلیمی در آثار او مشهود است. این تحقیق کاوشی است تطبیقی با هدف شناخت شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در داستان‌های «برخاک‌های حاصلخیز» اورهان کمال و «جای خالی سلوچ» دولت‌آبادی که بر مبنای روش تحلیلی - توصیفی نوشته شده است. با بررسی هر دو اثر می‌توان به این نتیجه رسید که کمال و دولت‌آبادی پلیدی، پریشانی، بی‌عدالتی و فقر و فلاکت موجود در جامعه‌ی روستایی را با ریزبینی و دقت توصیف می‌کنند.

اهداف پژوهش:

۱. واکاوی عوامل مؤثر بر فلاکت و از هم پاشیدگی جامعه روستایی در کشورهای ایران و ترکیه.

۲. تطبیق رمان اقلیمی جای خالی سلوچ و رمان بر خاک‌های حاصلخیز.

سؤالات پژوهش:

۱. آیا کشورهای ایران و ترکیه رویدادهای تاریخی، شرایط اجتماعی و فرهنگی مشترکی در پایان آغاز سده چهاردهم شمسی تجربه کرده‌اند؟

۲. کدام تصمیم سیاسی مشترک باعث نابودی جامعه روستایی در ترکیه و ایران شد؟

کلیدواژه‌ها: جامعه روستایی، اورهان کمال، یحیی دولت‌آبادی، جای خالی سلوچ، بر خاک‌های حاصلخیز.

محمود دولت‌آبادی تبلور هنری یک دوره در عرصه‌ی ادبیات داستانی ایران است. اغلب آثار داستانی او درباره‌ی روستاهای خراسان است و خواننده به کمک توصیف‌های زیبا و دقیق او به جزئیات زندگی روستانشینان خراسان پی می‌برد. او رمان مشهور «جای خالی سلوچ» را در سال ۱۳۵۷ نوشت. این رمان داستان زندگی فلاکت‌بار مرگان و خانواده‌اش است. «مرگان» به زیر میم یعنی «کشنده شکار» و یا به کسر میم مخفف میترا گانا است. او شخصیتی است که سی سال ذهن نویسنده را مشغول کرده است و در این رمان بازآفرینی شده است. داستان در هنگامه‌ی اصلاحات ارضی اتفاق می‌افتد و نویسنده می‌کوشد پیامدهای منفی این اصلاحات را به خواننده نشان دهد. چنان‌چه «شکل و زمینه‌ی زندگی اقتصادی و اجتماعی روستاها به تدریج در هم می‌ریزد. مالکان بزرگ زمین‌ها را فروخته و از روستا رفته‌اند. خرده مالکان در پی یافتن راه‌های تازه برای درآمد بیشتر، نقشه‌هایی طرح می‌کنند که در نتیجه‌ی آن، اقتصاد شهری به شکل وام بانکی، تراکتور و تلمبه و چاه عمیق به روستا وارد می‌شود؛ اما بی‌اطلاعی و سودجویی آنان وضع را بدتر می‌کند. روستاییان فقیر در نتیجه‌ی این تغییرات برای به دست آوردن پول و کار به شهرهای اطراف مهاجرت می‌کنند.

اورهان کمال در سال ۱۹۱۴ در شهرستان جیهان از توابع آدانا چشم به جهان گشود. نام واقعی‌اش محمد راشد ایوتچو بود. اورهان در سال ۱۹۳۸ به سربازی رفت و ضمن خدمت به دلیل مطالعه کتاب‌های ناظم حکمت و ماکسیم گورگی و تبلیغ سوسیالیسم، به پنج سال زندان محکوم گردید. در سال ۱۹۴۰ در زندان شهر «بورسا» با ناظم حکمت آشنا شد. در مدت سه سال و نیم هم سلول شدن با ناظم حکمت از او زبان فرانسه، فلسفه و سیاست را آموخت. او در سال ۱۹۵۴ با انتشار رمان «بر خاک‌های حاصل‌خیز» مشکلات محیط روستایی را وارد عرصه‌ی ادبیات ترکیه نمود. اورهان کمال در رمان «بر خاک‌های حاصل‌خیز» مسأله‌ی اجتماعی و ایدئولوژیک یعنی تضاد ستم‌گر - ستم‌کش را به نمایش می‌گذارد. «سیستم استثماری موجود در «چوکورآوا»، ورود به شیوه‌ی تولید سرمایه‌داری در بخش کشاورزی، مهاجرت روستائیان از روستا به شهر به دلیل عدم نارسائی اقتصاد بسته‌ی روستایی و شرایط سخت زندگی مهاجرین در محیط شهر موارد مهمی هستند که در این رمان مورد اشاره واقع شده‌اند. دنیایی را که اورهان کمال به تصویر می‌کشد دنیای تباه انسان‌های فقیری است که بر روی این خاک‌های پربرکت به فعالیت مشغولند. دنیای منافعی که دروغ، حيله، دورویی و دزدی میدان‌داری می‌کند» (موران، ۱۳۹۵: ۷۰). اورهان کمال با موضوعاتی که انتخاب می‌کرد و شخصیت‌هایی که می‌آفرید و با حضوری که در داستان‌هایش داشت به عنوان نویسنده‌ای واقع‌گرا، وضعیت اجتماعی ترکیه‌ی قرن بیستم را با مهارت ترسیم می‌نمود. او آن‌چه را که زندگی می‌کرد به رشته‌ی تحریر می‌کشید و مسایل محیطی را که در آن می‌زیست، انسان‌هایی که با آن‌ها روبرو می‌شد، هر حادثه‌ی تاثیرگذار و هر مطلب قابل بیانی را می‌توانست به صورت داستان یا رمان درآورد. از محتوا به سوی شکل و صورت حرکت می‌کرد و نان و شهوت را پیش‌برنده‌ترین نیروی اجتماع می‌دانست (کارااعلی اوغلو، ۱۳۸۷: ۳۵۲).

بررسی پیشینه پژوهش حاضر حاکی از این است که در خصوص ادبیات تطبیقی میان کشورهای ایران و ترکیه تحقیقات چندانی صورت نگرفته است. محمدامین ریاحی (۱۳۶۹) در کتاب «زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی» و یعقوب آرند (۱۳۸۶) در کتاب تجدد ادبی در مشروطه به صورت پراکنده به تأثیرپذیری شاعران و نویسندگان دوران مشروطه از ادبیات فرانسه با واسطه‌گری ادبیات نوگرای ترک اشاراتی کرده است. برنا موران (۱۳۹۵) در کتاب «نگاه انتقادی به رمان‌های ترک» ترجمه کریم پوراکبری خیایوی سه دوره از رمان‌های ترک را تحلیل کرده است که رمان «بر خاک‌های حاصل‌خیز» یکی از آن آثار است. درباره رمان «بر خاک‌های حاصل‌خیز» اورهان کمال هیچ پژوهشی در ایران انجام نیافته است. همچنین با جستجو در کتب، نشریات، پایانامه‌های دانشجویی تاکنون پژوهش جامعی که به

تحلیل تطبیقی رمان «جای خالی سلوچ» دولت‌آبادی و رمان «بر خاک‌های حاصلخیز» اورهان کمال پرداخته باشد، انجام نیافته است.

نتیجه‌گیری

دولت‌آبادی و اورهان کمال بر دو عامل اقتصادی و سیاسی در بروز فقر در جوامع خود تاکید بسیار نموده و این دو عامل را از مهم‌ترین عوامل در رشد و توسعه‌ی فقر به شمار آورده‌اند و در این میان بر سیاست‌های نادرست دولت و عدم تدبیر درست و منطقی در توزیع عادلانه ثروت تاکید بسیار داشته‌اند و آن را مهم‌ترین عامل در فقر و بدبختی مردم به ویژه طبقه‌ی پایین جامعه قلمداد کرده‌اند. فقر اقتصادی در هر دو داستان، به دنبال خویش، معظلی بزرگ‌تر به نام فقر فرهنگی به وجود می‌آورد؛ فقری که دامنه‌ی تخریب آن چه بسا بیشتر از فقر اقتصادی بوده، فقری که حرمت‌ها را از بین برده و مقدسات را زیر سوال می‌برد فقری که مهر مادری را از بین می‌برد و دخترکان کوچک را طعمه‌ی شهوت مردان مسن رضایت می‌کند. همچنین هر دو نویسنده بر این نکته تاکید کرده‌اند که مدرن شدن جوامع سنتی نیازمند فراهم‌سازی بستر مناسب است و گرنه تکنولوژی به فقر و نداری بیش‌تری مسبب می‌شود.

منابع

آبراهامیان، یرواند. (۱۳۷۷). ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران معاصر، ترجمه‌ی احمد گل‌محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.

ازغندی، علیرضا. (۱۳۸۲). تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران (۱۳۵۷-۱۳۲۰)، تهران: انتشارات سمت.

اسحاقیان، جواد. (۱۳۸۳) کلیدر، رمان حماسه و عشق، تهران: نشر گل آذین.

پروند، شادان؛ زهرا سبحانی. (۱۳۷۳). زمینه شناخت جامعه و فرهنگ ترکیه، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین‌المللی.

چهل‌تن، امیر حسن؛ فریدون، فریاد. (۱۳۸۱). ما نیز مردمی هستیم (گفتگو با محمود دولت‌آبادی)، چاپ سوم، تهران: نشر چشمه.

دولت‌آبادی، محمود. (۱۳۵۸). جای خالی سلوچ، تهران: نشر نو.

_____. (۱۳۶۸). ما نیز مردمی هستیم (گفتگو با محمود دولت‌آبادی، امیر حسین چهلتن، فریدون فریاد)، تهران: نشر پارس.

رحمانی، کیومرث؛ سوبه‌اش، کمار. (۱۳۹۶). «خشونت علیه زنان در رمان جای خالی سلوچ و رمان گودان»، پژوهش ادبیات معاصر جهان، دوره ۲۲، شماره ۱، صص ۱۵۷-۱۸۱.

ساعی‌ارسی، ایرج؛ صالحی، پرویز. (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی رمان: پژوهشی در جای خالی سلوچ، تهران: بهمن برنا.

شهپرراد، کتایون. (۱۳۸۲). رمان، درخت هزار ریشه، ترجمه‌ی آذین حسین‌زاده، تهران: انتشارات معین و انتشارات ایران‌شناسی فرانسه.

- کارا علی اوغلو، کمال. (۱۳۸۷). نگاهی به صد سال رمان‌نویسی در ترکیه، ترجمه‌ی داوود وفایی، تهران: میترا.
- کمال، اورهان. (۱۳۹۷). بر خاک‌های حاصل‌خیز، ترجمه‌ی صنم نافع، تهران: آنیما.
- قربانی، محمدرضا. (۱۳۷۳). نقد و تفسیر آثار محمود دولت‌آبادی، تهران: آروین.
- فوران، جان. (۱۳۸۵). مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران (از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی)، ترجمه‌ی احمد تدین، چاپ ششم، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- لوئیس، برنارد. (۱۳۷۲). ظهور ترکیه‌ی نوین، ترجمه‌ی محسن علی سبحانی، تهران: مترجم.
- میرعابدینی، حسن. (۱۳۷۷). صدسال داستان‌نویسی، ج ۲ و ۱، تهران: چشمه.
- موران، برنا. (۱۳۹۵). نگاه انتقادی به رمان‌های ترک، ترجمه کریم پوراکبری خیای، تبریز: انتشارات آذر تورک.
- یاحقی، محمد جعفر. (۱۳۷۵). چون سبوی تشنه (تاریخ ادبیات معاصر فارسی) بی‌جا: جام.